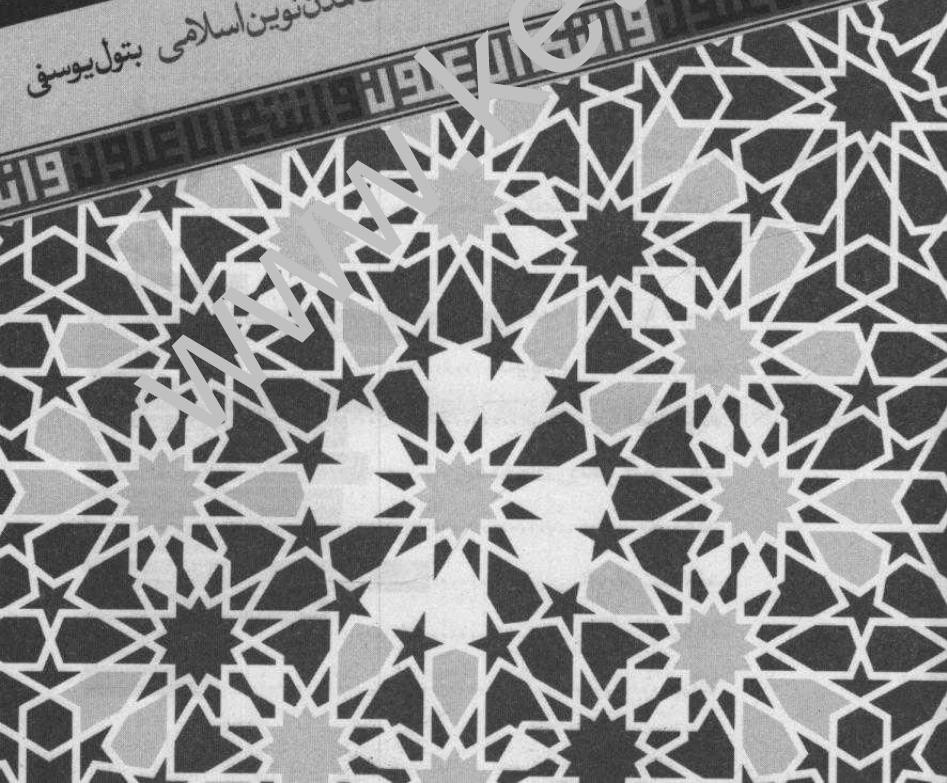


درآمدی بر

مکان استلا

رهیافتی پیرامون سبب ظرفیت و امکانات تمدن نوین اسلامی بتول یوسفی



سرشناسه	یوسفی، بتول، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	درآمدی بر تمدن اسلامی؛ رهیافتی پیرامون ماهیت، ظرفیت و امکانات تمدن نوین اسلامی / بتول یوسفی.
مشخصات نشر	اصفهان: آرما، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۹۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۲۹-۵
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۳۹] - ۲۵۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	رهیافتی پیرامون ماهیت، ظرفیت و امکانات تمدن نوین اسلامی.
موضوع	تمدن اسلامی
موضوع	Islamic civilization
موضوع	تمدن غرب -- تاثیر اسلام
موضوع	Civilization, Western -- Islamic influences
موضوع	مهدویت
موضوع	Mahdism
موضوع	ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- تاثیر
موضوع	Influence -- Islamic Revolution -- History -- Iran, ۱۹۷۹ --
رده بندی کنگ	DS۲۵/۶۴۱/۹۵۴۱۱
رده بندی دیو	۹۰۹/۰۹۷۶۷۱
شماره کتابشناسی	۰۳۷۲



نشر آرما

درآمدی بر تمدن اسلامی

رهیافتی پیرامون ماهیت، ظرفیت و امکانات تمدن نوین اسلامی

بتول یوسفی

ویرایش: گروه ویراستاری خط، سیمه حسینی

سری کتاب های «و انتم الاعلون» - ۱۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / نوبت چاپ اول / ۱۳۹۷

نشر آرما www.nashrearma.com

۰۳۱ - ۳۲۳۵۱۷۰۹ / ۰۹۱۳۳۲۰۹۴۵

طراحی و صفحه آرایی: گروه فرهنگی هنری مسک

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۲۹-۵

۲۰۰۰ تومان

©: ۱۳۹۷، نشر آرما

فهرست

پیشگفتار	۹
فصل اول: چیستی تمدن	۱۵
معنای لغوی و اصطلاحی تمدن	۱۷
تعریف فرهنگ	۲۴
نسبت فرهنگ و تمدن	۲۷
نسبت فرهنگ با هویت	۳۱
هویت تمدنی	۳۷
برخی ویژگی‌های عام تمدن	۳۸
عقلانیت	۴۴
عقلانیت تاریخی	۴۸
کارآمدی	۵۰
نظم	۵۱

امنیت ۵۵

وحدت ۵۶

نتیجه‌گیری ۵۸

فصل دوم: تمدن اسلامی ۶۳

مقدمه ۶۵

تعریف تمدن اسلامی ۶۵

دوره‌های تمدنی و علت اعتلای تمدن اسلامی از نظر مقام معظم

رهبر ۷۰

ویژگی‌های خاص تمدن اسلامی ۷۵

..... ۷۶

مرکزیت باطن ۷۹

تکامل ۸۵

همراهی علم و دین ۹۰

تعامل (تسامح و تسامی) ۹۵

معنویت و عرفان ۹۶

نسبی بودن نقش‌ها ۱۰۰

فصل سوم: نسبت تمدن نوین اسلامی با انقلاب اسلامی ۱۰۳

ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی ۱۰۵

تمدن اسلامی، غایت جریان بیداری اسلامی ۱۱۶

۳. غایت حکومت اسلامی، تمدن‌سازی ۱۲۱

فصل چهارم: نسبت تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب (تمدن موجود) ۱۲۳

مقدمه ۱۲۵

مسئله «نسبت ما با غرب» ۱۲۶

یکپارچگی در تمدن غربی ۱۳۸

نظریه‌های «پایان تاریخ» و «جنگ تمدن‌ها» ۱۴۰

تیرگی و زوال در افق تمدن غرب ۱۴۳

فصل پنجم: نسبت تمدن نوین اسلامی با حکومت مهدوی (تمدن موعود)

..... ۱۴۷

مقدمه ۱۴۹

نقش مهدویت در شکل‌گیری تمدن اسلامی در دوران غیبت ۱۵۰

نقش شورای ولایت ۱۵۴

برخی از مؤلفه‌های تمدن‌ساز در جمهوری اسلامی ایران ۱۵۶

نتیجه‌گیری نهایی ۱۵۹

کتاب‌نامه ۱۷۷

تمدن از جمله مفاهیم پیچیده و چندساحتی است که اندیشمندان همواره در تحلیل‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی‌شان به آن توجه کرده‌اند. تمدن از دسته واژه‌هایی است که علی‌رغم استمال فراوان و طولانی، درباره معنای آن تفاهم و اجماعی وجود ندارد. چندساحتی بودن تمدن و تغییر در مصادیق تمدنی بر این ابهام و پیچیدگی افزوده است.

مطالعات تمدنی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، جامعه‌شناسی و... جایگاه ویژه‌ای دارد. مطالعات با نگرش تمدنی قدمت زیادی دارد؛ اما تحقیقاتی که بُن‌مایه چنین مطالعاتی شود فراوان است و نوع نگرش تمدنی در زمان‌دهی و تحلیل این تحقیقات نقش مؤثری دارد.

اهمیت نگرش تمدنی از آن‌روست که فراگیر و جامع بوده، تحولات اجتماعی را در مقیاسی کلان و در نسبتی با دیگر حوزه‌ها مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهد و از تحلیل‌های تک‌عاملی پرهیز می‌کند. از سوی دیگر، نگاه تمدنی نگاهی است که کارآمدی نظام‌های اندیشه‌ای از آن رهگذر بوده و راه برای نهادینه کردن اجتماعی یک فکر، آن هم در گستره‌ای وسیع، ممکن می‌گردد.^۱

۱. حبیب‌الله بابایی، جستاری نظری در باب تمدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

در ایران علی‌رغم تلاش‌های علمی صورت گرفته، حوزه فهم تمدنی همچنان کاستی‌های فراوانی دارد. این کاستی‌ها آثار مهمی از جمله نبود نگاه فراگیر و جامع به انقلاب اسلامی، نداشتن تفسیر و تحلیل واقعی از تمدن غرب، فقدان تصویر گویا و جامع از تمدن اسلامی گذشته، شفاف نبودن ایده تمدن‌سازی اسلامی در آینده و... را به دنبال دارد. این در حالی است که به نظر می‌رسد در ضرورت این کندوکاو علمی پایه‌های اساسی وجود دارد.

از یک سو ظرفیت‌های عظیم تمدنی اسلام به سبب جامعیت و خاتمیت این دین تجربه عینی تمدن شکوهمند اسلامی در قرون اولیه و ازسوی دیگر افاق‌گشایی فراگیر انقلاب اسلامی و پیدایش نشانه‌هایی از افول فرهنگ و تمدن غربی، انتقاد فلاسفه و تفکر غربی از روند مدرنیته و پیامدهای آن، پاسخ‌گویی به پرسش‌های بنیادی، تشدید روند جهانی شدن، افزایش آگاهی پست مدرنیسم به شکاف بنیادی، تشدید روند جهانی شدن، افزایش آگاهی فرهنگی و تمدنی در پی گسترش امکانات اطلاعاتی و ارتباطی و طرح نظریه برخورد تمدن‌ها زمینه‌های بسیار مناسبی را برای احیای تمدن اسلامی فراهم نموده است. لذا یکی از دشواری‌ها در این‌گونه تحقیقات، ضعف مطالعات تمدنی در ایران است. در نگاه اول، تعداد زیادی کتاب و مقاله در این حوزه وجود دارد؛ اما محتوای این مکتوبات بسیار متنوع است و گاهی نگرش صحیحی به تمدن ندارند؛ بدین‌سان که بسیاری از آن‌ها ناظر به تمدن گذشته اسلامی هستند و محدود به گزارشی از معماری و وضعیت علم و دانشمندان می‌شوند. این بدین معنا نیست که چنین تجربه‌ای بی‌فایده است، بلکه منظور این است که در آن‌ها بیش از حد به ماییت و ذات تمدن توجه شود، به نتایج و نمودهای تمدنی پرداخته شده است. در برخی دیگر از منابع نیز توجه اصلی به تمدن غرب است و حتی با معیارهای تمدن غرب به تمدن اسلامی می‌پردازند.

در جهان اسلام نیز مطالعات تمدنی بسیار خوبی صورت گرفته است. اما در

مطالعات تمدنی، علاوه بر تأملات نظری، توجه به عینیت و اقتضائات بسیار اهمیت دارد. لذا مطالعات کشورهای دیگر هرچند برای نیل به شاخص‌های تمدنی مفید است، چون تجربه انقلاب و نظام اسلامی را ندارند، به‌طور تام نیاز ما را مرتفع نمی‌کنند. همان‌طور که بیان شد، این بدین معنا نیست که چنین پیشینه پژوهشی به‌کار نمی‌آید، اما از میان چنین مطالعات انبوه و متفاوت و گاهی متباین، نیل به رویکرد تمدنی بسیار دشوار است؛ رویکردی که براساس مبانی اصیل اسلامی و با لحاظ میر تک‌ملی انقلاب اسلامی باشد.

علی‌رغم چنین شرایطی، پرداختن به مباحث تمدنی و نیل به نگرش تمدنی امری ضروری است. نظریه‌یاری از محققان، مهم‌ترین چالش فرهنگ و تمدن اسلامی در طی چهارده قرن حاکم است. نه‌اجماع فراگیر تمدن مدرن و سکولاریستی غربی است. تمدن مدرن با هجوم همه‌جانبه نظام اقتصادی و فرهنگی، برای اولین بار اساس فرهنگ و تمدن اسلامی را دچار زلزله ساخت و باعث شد برخی مسلمانان چاره نجات خود را در مرجعی غیر از اسلام بدانند و به سنت‌های ملی یا غربی روی آورند. با شروع جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام، تقابل فکری و عملی برای اثبات کارآمدی اسلام در همه زمان‌ها آغاز شد. در ایران، با بروز انقلاب اسلامی و تداوم آن در شکل جمهوری اسلامی، برای اولین بار این فرصت فراهم آمد تا مسلمانان با بازشناسی میراث گران‌بهای تمدنی خود در حوزه‌های فقهی، فلسفی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... پاسخگوی نیازهای زندگی در عصر حاضر شوند. برای این اساس می‌توان گفت انقلاب اسلامی اولین گام عملی برای بازیابی تمدن اسلامی است و تکمیل آن منوط به بازیابی زیرمجموعه‌های تمدن در عرصه‌های گوناگون است.

در این کتاب، ابتدا به مفهوم تمدن می‌پردازیم و سپس واژه‌هایی همانند فرهنگ و هویت را بررسی می‌کنیم که به شناخت ماهیت تمدن کمک می‌کنند. در ادامه به مؤلفه‌های اصلی تمدن می‌پردازیم. در فصل دوم به‌طور اختصاصی مبحث «تمدن

اسلامی» را بررسی می‌کنیم. مسلماً شناخت این شاخص‌ها برای بررسی تمدنی بودن پدیده‌های مختلف و از جمله نظام‌های سیاسی، کارآیی زیادی دارد. پس از طرح موضوعات مبنایی در فصل اول و دوم، در فصل سوم از نسبت تمدن نوین اسلامی با انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تمدن اسلامی سخن می‌گوییم. در فصل چهارم نسبت تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب را به عنوان تمدن موجود بررسی می‌کنیم و در نهایت در فصل پنجم از نسبت تمدن نوین اسلامی با حکومت مهدوی، به عنوان برترین تمدن موعود سخن خواهیم گفت.

در بیان این است از اساتید ارجمند که بنده را در تألیف این اثر یاری نمودند، سپاسگزارم. از استاد گرامی، جناب آقای دکتر موسی نجفی که سال‌هاست افتخار تلمذ از محضرشان را دارم. همچنین از اساتید بزرگوار، جناب آقای دکتر حبیب‌الله بابایی، آقای ناصر عبدالعلی رضایی که با مساعدت بی دریغشان بنده را یاری نمودند، کمال تشکر دارم.

و نیز از زحمات فراوان استاد ارجمند و ویراستار محترم، خانم سمیه سادات حسینی، صمیمانه سپاسگزارم.

بی‌شک این اثر نارسایی و نقاط ضعفی دارد که بنده با نقد موشکافانه و مشفقانه فرهیختگان محترم مرتفع نخواهد شد. امید است منتقدان و خوانندگان ارجمند مؤلف را از راهنمایی‌های خویش محروم نسازند.